



کاظم بهمنی

شعر اول :

تکون نخور نشونه تفنگ های نقره داغ

تکون نخور پرنده افتاده توی باتلاق

تویی که رو نقابتم دوباره صور تک زدی

چه جوری بوسه می زنی به زخمی که نمک زدی

تو باغ گل نبودی نه، نگو گلاب کر دنت

تو مار بودی با عصای شب طناب کر دنت

محاله اعتنا کنم به وعده های میهمت

منی که مطمئن شدم شفا نمیده مر همت

چرا فرار می کنی به سمت سنگرای نو

به کی قرار ه لودی عقب کشیدن منو

اگه همین چراغی که زدن شکستش تویی

اگه همین خرابه که به توپ بستش تویی

خبر بده به آفتاب همون که گفته بود شد

به زیر دره بین عشق یکی نشست و دود شد

بگو به اون لجن خورا که آیمون عوض شده

بگو یه سطل گریه کر د ماهی آب پز شده



قطع همکاری بیش از هزار نویسنده جهان با رژیم صهیونیستی

گاردین نوشت: بیش از هزار نویسنده برجسته جهان در بیانیه‌ای اعلام کردند که با موسسات فرهنگی رژیم صهیونیستی که در نقض حقوق فلسطینی‌ها دست دارند، همکاری نخواهند کرد. سالی رونی، راشل کوشنرو آرون‌دانی روی از جمله امضاکنندگان این بیانیه هستند. این نویسندگان معتقدند همکاری با ناشران، جشنوارها و نشریات رژیم صهیونیستی می‌تواند به توجیه سیاست‌های تبعیض آمیز، اشغالگری و نسل کشی منجر شود. این کمپین توسط جشنواره ادبیات فلسطین سازمان دهی شده است. در بیانیه تأکید شده که از اکتبر گذشته بیش از ۴۳ هزار نفر در غزه کشته شده‌اند و این پس از ۷۵ سال آوارگی و آپارتاید رخ داده است. امضا کنندگان معتقدند موسسات فرهنگی رژیم صهیونیستی که اغلب با رژیم صهیونیستی همکاری می‌کنند، نقش مهمی در سرکوب فلسطینیان داشته‌اند. این اقدام مشابه موضع گیری نویسندگان علیه آپارتاید در آفریقای جنوبی است و نشان می‌دهد که وجدان انسانی نمی‌تواند نسبت به این بی‌عدالتی‌هایی تفاوت باشد.

استقبال از هنر معاصر ایران در روسیه



نمایشگاه هنر معاصر

ایران در مسکو، بستر ی

برای آشنایی مردم روسیه

با هنر معاصر ایران است.

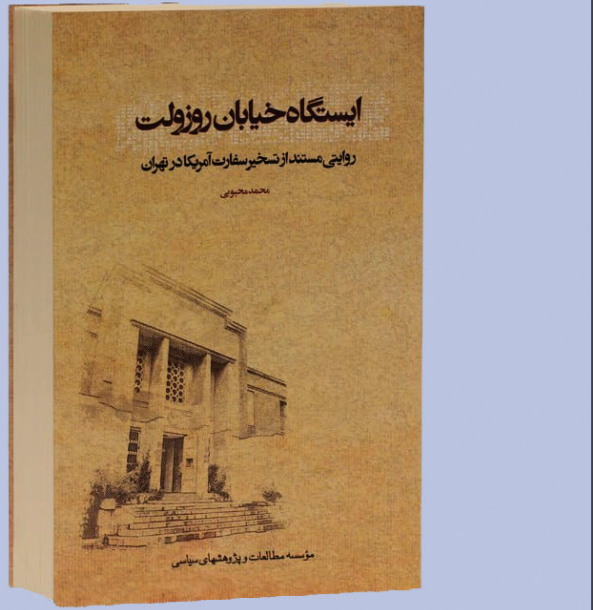
این نمایشگاه شامل ۵۹

نقاشی و ۹ شیء هنری از

۵۰ هنرمند ایرانی در پنج غرفه است و بخشی از نمایشگاه بزرگ‌تری است که ۱۵۰۰ اثر از ۹۱ گالری بین‌المللی را در خود جای داده است. هنرمندان ایرانی با ترکیب سنت‌های مذهبی، مینیاتور و هنر معاصر، آثار شاخصی را به نمایش گذاشته‌اند. از جمله آثار برجسته می‌توان به تابلوی مریم عابدی با استفاده از پارچه‌های سنتی، اثر «عبادت بی‌پایان» کامران یوسف‌زاده با الهام از اشعار مولانا، تابلوی «شکار» رضا درخشانی و «گل صد تومانی» تیمور ناصری اشاره کرد. این نمایشگاه با همکاری شرکت کولتورینگ و رایزنی فرهنگی سفارت ایران در روسیه برگزار شده و پس از مسکودر سن پترزبورگ، سوچی و شهرهای ایران (شیراز، تهران و اصفهان) به نمایش در خواهد آمد. این همکاری، نخستین گام برای حضور هنر ایران در بازار هنری روسیه محسوب می‌شود.

بزرگداشتی برای شاعر کودکانه ها

مراسم بزرگداشت شکوه قاسم‌نیا، شاعر و نویسنده برجسته ادبیات کودک و نوجوان، روز یک شنبه ۱۳ آبان ساعت ۱۷ در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود. مجید راستی، شهرام اقبال‌زاده، قاسمعلی فراست، محمدعلی ناصری و مرجان فولادوند سخنرانان این مراسم هستند. شکوه قاسم‌نیا متولد ۱۳۳۴، فعالیت ادبی خود را از سال ۱۳۵۹ با مجله کیهان بچه‌ها آغاز کرد و با انتشار مجله گلک در سال ۱۳۶۹ در حوزه شعر خردسال متمرکز شد. نخستین مجموعه شعر او «ماه و ماهی» نام دارد. از آثار مهم او می‌توان به «چرا نمی‌خندی؟»، «قصه‌های شیرین هزارویک شب»، «پسته دهان بسته»، «آقا موشه با هوش»، «نخودی‌ها» و مجموعه سه جلدی «خانه‌ها جور و آجورند» و ….. اشاره کرد.



گروه ادب و هنر – «ایستگاه خیابان روزولت» نام کتابی در گونه مستندنگاری به قلم محمد محبوبی است که انتشارات مطالعات سیاسی امسال روانه نمایشگاه کتاب تهران کرد. این کتاب، نخستین اثر روایی و تحلیلی ایرانی درباره واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۵۸ است. در بخشی از مقدمه کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» می‌خوانیم: «نام کتاب گویای آن است که نمایندگی سیاسی آمریکا در تهران که در امتداد خیابان شهیدفتح (روزولت سابق) قرار داشت، بیش از آن که یک سفارتخانه با مأموریت‌های دیپلماتیک باشد، ایستگاه سازمانی سی‌آی‌ای با مأموریت‌های اطلاعاتی و عملیاتی بود. دیگر آن که واقعهٔ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ یک مقطع حیاتی در سپهر سیاست ایران است و بازیگران و ناظران سیاسی لاجرم باید در این ایستگاه توقف کنند و موضع خود در برابر این رویداد را روشن سازند». در مدت کوتاهی که از انتشار کتاب می‌گذرد، استقبال خوبی از آن شده و رهبر معظم انقلاب نیز آن را مطالعه کرده و بر کتاب تقریظی نوشته‌اند که قرار است امروز ۹ آبان، در آستانه سالگرد ۱۳ آبان رونمایی شود. در ادامه، درباره محتوای کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» و روایتی از چگونگی نگارش آن را می‌خوانید.

مستندنگاری تسخیر سفارت آمریکا در تهران

محمد محبوبی، نویسنده کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران است. او در صفحه شخصی اش در باره نگارش کتاب این‌طور نوشته است: «به جرئت می‌توان تصرف سفارت آمریکا و بسترها و پیامدهایش را یکی از مناطق محروم تاریخ‌نگاری ایران معاصر دانست؛ چرا که نزدیک به تمام آثار موجود در این موضوع، کتاب‌ها و مقالات ترجمه‌شده از منابع آمریکایی است که می‌کوشند

ادب و هنر | ۷

نخستین روایت ایرانی از تسخیر لانه جاسوسی

تاملی در ویژگی‌های کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» به قلم محمد محبوبی که تقریظ رهبر انقلاب بر آن، امروز رونمایی می‌شود



کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» مملو از نکات نویافته است و دیدن حوادث در بستر زمان آن‌ها، کتاب را به اعتباری رسانده است که مطمئنم هر خواننده‌ای و با هر سلیقه، از خواندن کتاب رویگردان نخواهد شد».

کتابی جامع، خواندنی و قابل اعتماد

محسن سام، پژوهشگر تاریخ معاصر نیز کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» را کتابی جامع، خواندنی و قابل اعتماد معرفی می‌کند و در یادداشتی درباره آن نوشته است: «نویسنده اثر با داشتن سابقه‌ای طولانی در پژوهش و تتبع موضوعات و اسناد تاریخی و انتشار چندین کتاب در حوزه‌های مختلف امنیتی و سیاسی، از معیارهای خود نیز فراتر رفته و در اثر حاضر، «ایستگاه خیابان روزولت» روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران، جلوه دیگری از توان تحقیقاتی و ذوق تحلیلی خود را به نمایش گذاشته است. این کتاب ۶۰۰ صفحه‌ای، ماجرا را از نخستین مراودات دیپلماتیک و کنسولی ایران و آمریکا از عهد قاجار آغاز کرده و تا پایان واقعه تسخیر و پیمان الجزایر روایت می‌کند و این سیر طولانی وقایع، در عین روانی و سرعت مناسب روایت، البته جامع و پرجزئیات است. نویسنده، نمونه یک کار تحقیقی با تتبع قابل قبول را ارائه داده است. کم‌بودن ارجاع به تاریخ شفاهی در این کتاب، به دلیل پر بودن دست‌راوی از اسناد و مدارک درجه یک است. افزون بر اسناد لانه و اسناد ساواک و دیگر مراکز امنیتی ایران، اسناد غیر ایرانی قابل توجهی از وزارت خارجه و وزارت دفاع آمریکا، اسناد دولتی ایالات متحده، دفتر نخست وزیر ی بریتانیا و وزارت خارجه انگلستان، کانادا و استرالیا مورد مطالعه و بهره‌برداری قرار گرفته است. این حجم قابل تأمل منابع دسته اول و تتبع در آن، هم عیار اسنادی کار را بالا برده و هم رسیدن به یک تحلیل همه‌جانبه و روایت دقیق و گام‌به‌گام از ماجرا – با کمترین حلقه‌های مفقود از سیر واقع– را امیسر کرده است».

بی‌رحمی را سرکار آوردند». (۱۲/ ۸/ ۱۳۹۸) از این سخنرانی، موضوع «تحریف تاریخ» بر ایلم جالب‌تر بود. زیرا به یک دغدغه پرتکرار ایشان تبدیل شده بود اما همه کسانی که وظیفه سازمانی در این خصوص داشتند و شعارهای غلیظ می‌دادند، در عرصه عمل کار چشمگیری نکرده بودند. تا آن‌جا که چند سال قبل‌تر در آبان ۱۳۹۴، ایشان جوانان را به خواندن اسناد لانه جاسوسی ارجاع دادند. کتبی که در دهه ۶۰ منتشر شده بود و برای پژوهش همچنان منابع دست‌اولی بود، اما خواندن آن ۷۰، ۸۰ جلد از حوصله مخاطب غیر تخصصی خارج بود. همان وقت متوجه شده بودم که بخشی از ریشه این ارجاع، فقدان کتابی است که روایتی مستند در این حوزه ارائه دهد.

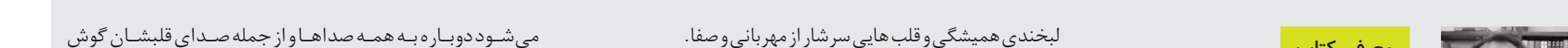
در این دغدغه تنها نبودم؛ وقتی در جلسات همفکری صحبت به میان می‌آمد، معلوم بود برخی دیگر از همکاران نیز پیشتر و بیشتر به همین دغدغه‌ها فکر کرده‌اند. در نهایت آقای محبوبی، شانه زیر این بار داد و گفت من حاضرم این کتاب را بنویسم. سابقه کاری او نشان می‌داد خیالمان از همه آن مؤلفه‌هایی که می‌خواستیم راحت خواهد بود. تنها مشکل، که از قضا منطبق بر نیاز ما هم بود، فقدان بخشی از اسناد مورد نیاز بود. نه او اهل تسلیم شدن بود و نه برخی اهل همکاری؛ اگر چه با روحیه جهادی و پشتکار موانع یک به یک برطرف شد و بخشی از اسناد برای اولین بار در این کتاب و افکار عمومی عرضه شده است اما سایه این جنگ تا آخرین روز تألیف ادامه یافت. تسلط او به زبان انگلیسی و مهارتش در یافتن اسناد خارجی موجود در بسترهای فضای مجازی، بخشی از کم‌کاری‌نهادهای موظف به پشتیبانی سندی را جبران کرد. گاه برای رمزگشایی از یک اسم رمز، هفته‌ها به کاوش و تطبیق زیر کانه اسناد پرداخت. معاضدت برخی از همکاران دارای روحیه جهادی هم بی‌تأثیر نبود و به رغم موانع مذکور خروجی کار، بهتر از انتظار شد.



در بخشی از مقدمه کتاب «ایستگاه خیابان روزولت» می‌خوانیم: «نام کتاب گویای آن است که نمایندگی سیاسی آمریکا در تهران که در امتداد خیابان شهیدفتح (روزولت سابق) قرار داشت، بیش از آن که یک سفارتخانه با مأموریت‌های دیپلماتیک باشد، ایستگاه سازمان سی‌آی‌ای با مأموریت‌های اطلاعاتی و عملیاتی بود

یک گونی پر از گوش شنوا!

نگاهی به مجموعه داستان «بیست تا داستان هزار تومن» نوشته احمد اخلاقی که با روایت‌هایی دوست‌داشتنی ما را به خاطرات جمعه شلوغ بازار کتاب مشهد می‌برد



می‌شود دوباره به همه صداها و از جمله صدای قلبشان گوش سپارند...

«لحظه شادی آور و فراموش‌نشدنی بعد از اون شب وقتی بود که برای اولین بار صدای کلاغ‌ها رو شنیدم. کلاغ‌ها روی شاخه‌های درخت کارخونه وول می‌خوردن و از این شاخه به اون شاخه می‌پریدن، نمی‌تونم خوشحالیمو پس از شنیدن صدای قارقار شون وصف کنم. تا اون روز، هر گز به زیبایی صدای کلاغ‌پی نبرده بودم. هر چه به محوطه کارخونه و درخت پر از کلاغش نزدیک‌تر می‌شدم، صدای کلاغ‌ها واضح‌تر می‌شد. کنار همین درخت بود که صدای همههمای از داخل دفتر شرکت شنیدم. ابتدا فکر کردم صداها ی مونده در باقی‌مانده گوشامه. اما تمام تصور اتم اشتباه بود. من می‌شنیدم. دو تا صدارو واضح و روشن می‌شنیدم. فقط دو تا همین هم خوب بود. انگار بقیه هم بیشتر از من نمی‌شنیدن. صدای رادیوی همیشه روشن شرکت و صدای کلاغ‌ها، اطمینانم وقتی بیشتر شد که یکی از ساکنان کوچه با اشاره به من فهموند که صدام خیلی دل‌نشین و دقیقا شبیه صدای کلاغه. هر چه ساکنان کوچه از این جور تعارفات و تعریف‌ها ردیف کردن، نگفتم که من یک گونی پر از گوش اختصاصی دارم.»

مجموعه داستان «بیست تا داستان هزار تومن» کتابی از احمد اخلاقی را انتشارات بوتیمار در ۱۳۶ صفحه راهی بازار کتاب کرده است.



لیکن‌دی همیشگی و قلب‌هایی سرشار از مهربانی و صفا.

بازار داغ کتاب چهار طبقه

«حراج، کلمه‌آشنایی‌پیا‌ده‌روی بلوار مدرس است که چند دهه قبل، نام پرافتخار چهار طبقه را بر خود داشت و برای بسیاری از مش‌هدی‌ها اوج صنعت ساختمان‌سازی و معماری بود. روزگاری که فقط یک ساختمان چهار طبقه در مشهد وجود داشت و مردم از گوشه و کنار به خیابان ارگ می‌رفتند تا با چشمان خود یکی از عجایب شهر را ببینند. صبح‌های جمعه جای سوزن انداختن نیست. پیاده‌رو مملو از جمعیت مشتاقی است که در جست و جوی کتاب‌های مورد علاقه می‌آیند و با کنج‌کاوی به راست و چپ نگاه می‌کنند. بعضی از این جست و جوگران که از سماجت نویسنده‌ها در نوشتن کتاب‌های جدید به ستوه آمده‌اند وقتی با گوش خود کلمه حراج را می‌شنوند و با چشم خود کتاب به حراج گذاشته شده را می‌بینند، با تعجب کتاب‌ها را به یکدیگر نشان می‌دهند: اینجارو، کتاب فلانی!

فقدار ارزون».

راوی «بیست تا داستان هزار تومن» آنقدر شیرین از حکایت داستانی که در پیاده‌رو کنار بساط کتاب فروشی خواننده بر ایمان می‌گوید و ما را با خود همراه می‌کند که ما یادمان می‌رود این داستان از تلخی شکست یک قصه‌نویس می‌گوید...

زیبایی پنهان در صدای کلاغ

در داستان دیگری هم که داستان پایانی کتاب است، داستان «فقط دو صدا» را، وی در شبی تاریک و بی‌صدا هدیه‌ای عجیب دریافت می‌کند که یک گونی پر از گوش است که به همه یادآور